

■ تحلیلی بر اسناد و گزارش‌های بریتانیا در مورد
منطقه نفت‌خیز بیکرز در دوره پهلوی اول

مریم شیبری

■ چکیده

هدف: بیکرز اسم قصبه‌ای در منطقه ماهور- میلانی در استان فارس است. این منطقه در نقشه‌ها و آثار جغرافیایی ایران چندان از شهرت برخوردار نیست؛ اما گزارش‌های سالانه اسناد اداری انگلستان "Administration Report of Persian Gulf"، در دوره رضاشاه، اطلاعات پی‌درپی و مهمی رازیر عنوان بیکرز و در مورد مسائل سیاسی و اقتصادی آن به‌ویژه مسائل مربوط به اکتشافات نفت دارد. هدف این پژوهش بررسی چرایی گزارش‌های این اسناد زیر عنوان بیکرز است که حدود جغرافیایی آن نیز یکسان در نظر گرفته نمی‌شده است. روش/رویکرد پژوهش: این پژوهش با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع آرشیوی و کتابخانه‌ای اجرا شده است. یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نماینده انگلستان گزارش‌های خود را بر مبنای اهمیت جغرافیایی مناطق برای حفاری چاه‌های نفت تنظیم می‌کرده است بنابراین سیر جغرافیایی گزارش‌ها از سمت جنوب منطقه بیکرز به سمت شمال آن بوده است. همچنین روند گزارش‌ها نشان می‌دهد که از یک سو با قدرت‌گیری دولت رضاشاه از نقش فعال طوایف محلی کاسته شده است و از سوی دیگر شرکت نفت در تحولات اقتصادی و اجتماعی منطقه بسیار مؤثر بوده است.

کلیدواژه‌ها

بیکرز، گناوه، گچساران، شرکت نفت ایران و انگلیس، رضاشاه

تحقیقات تاریخی

فصلنامه گنجینه اسناد: سال بیستم و ششم، دفتر چهارم، (زمستان ۱۳۹۵)، ۴۱- ۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۴ ■ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۸



تحلیلی بر اسناد و گزارش‌های بریتانیا در مورد منطقه نفت خیز بیکرز در دوره پهلوی اول

مریم شیپری^۱

مقدمه

ایران سرزمین وسیعی است و دارای مناطق مختلفی از پستی و بلندی‌هایی است که در طول تاریخ به اسم‌های گوناگون یا یکسان شناخته شده‌اند. گاهی نام منطقه‌ای در نقشه‌ها در طول زمان گم گشته است؛ اما از دل اسناد، کتاب‌ها و گاهی هم از زبان مردم محلی می‌توان آن نام‌ها را یافت. بیکرز یکی از این مناطق است. روستایی در منطقه‌ای وسیع و سنگلاخ که مردم منطقه به مناسبت نام آن و آبادی دیگری در نزدیکی آن به اسم میشان، کل منطقه را که در میانه چند شهر بزرگ قرار دارد، بیکرز و میشان (بیکرز و میشون) می‌نامند.

نام این روستا در نقشه کنونی ایران زیر عنوان «بیدکرز» میان میل‌تون و بابا کلان قرار دارد؛ اما گزارش‌های سالانه انگلیسی‌ها از این منطقه که نفت خیز هم بوده است با تأکید بر اسم «بیکرز» بر اهمیت شناسایی حدود این منطقه می‌افزاید. این اسناد که گزارش‌های سالانه از روند کار و فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس در منطقه بیکرز هستند بیان‌گر اهمیت این منطقه از کشور در دوره رضاشاه می‌باشد. به نظر می‌رسد که ثبات قدرت مرکزی در کشور از یکسو و اهمیت شاخصی اقتصادی مانند نفت از سوی دیگر موجب شده است که این منطقه جغرافیایی تحولات مهمی را تجربه کند. بر اساس این فرضیه، این پژوهش قصد دارد که دو مسئله را از طریق تحلیل محتوایی اسناد اداری انگلیسی‌ها و کتاب‌های جغرافیای تاریخی ایران پیگیری کند. نخست جغرافیای منطقه‌ای که بیکرز نامیده می‌شد و سپس به بررسی شرایط سیاسی، اقتصادی و گاهی هم اجتماعی این منطقه در سال‌های حکومت پهلوی اول بپردازد.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه سیستان و بلوچستان
maryamshpr@gmail.com

جغرافیای منطقه

نام این منطقه در فارسنامهٔ ناصری بیکرد^۱ نوشته شده است و همچنین آن را از روستاهای بلوک ماهور- میلاتی دانسته‌اند (فسایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۲۷). همچنین در فرهنگ جغرافیایی ایران که در سال ۱۳۳۰ درمورد استان هفتم که شامل بوشهر، شیراز، جهرم، کازرون و لار بوده است از دهستانی با نام بیدکرز^۲ یاد شده و درمورد آن نوشته شده است: «ده از دهستان ماهور^۳ و میلاتی بخش خشت شهرستان کازرون در شصت و هفت کیلومتری شمال باختر کنار تخته، جنوب کوه دیمه انجیر. کوهستانی، گرمسیر، سکنه ۲۴۱، شیعه» و محصولات آن را غلات، تریاک، قالی بافی و راه آن را فرعی دانسته است (۱۳۳۰، ج ۷، ص ۴۳)؛ اما حوضهٔ ماهور و میلاتی که منطقه‌ای نفت خیز است را فارسنامهٔ ناصری جزء نواحی گرمسیر فارس، میانهٔ مغرب و شمال شیراز دانسته است که حدود آن از شرق به نواحی بلوک کازرون و ممسنی، از طرف غرب به کوه گیلویه و از جنوب به بلوک خشت و دشتستان می‌رسیده است. لوریمر فاصلهٔ منطقه‌ای که حیات داود^۴ را از شبانکاره^۵ جدا می‌کند، بیکرز و میشون یا تویسه^۶ دانسته است. قصبهٔ اصلی این منطقه، بابامنیر بوده که مسافت آن تا شیراز سی و هشت فرسنگ بوده است. ماهور میلاتی پنج قریه داشته که بیکرد یکی از آن‌ها بوده است.^۷ (فسایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۲۷). فسایی در مورد نفت در ماهور- میلاتی نوشته است: «چشمه‌های نفت سیاه و آب‌های بدبو و گوگردی فراوان است و اگر کسی تفتیش کند البته معدن سنگ زنگ‌سنگ را خواهد یافت» (فسایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۵۲۷). در سال ۱۳۲۳ وزارت کشور روستاهای بابای کلان، بابا منیر، چشمه شور، قره‌گل، قره‌گزلو، قره‌دشت، میلاتون و میشان را جزء دهستان ماهور از توابع کازرون آورده است و اسمی از بیکرز یا اسامی مشابه آن نیاورده است (وزارت کشور: اداره کل آمار و ثبت‌احوال، ۱۳۲۳، ص ۳۴۵). اما مفخم پایان در ۱۳۳۹ در فرهنگ آبادی‌های ایران از روستایی با نام بابای بیکرز که جزو ناحیهٔ کازرون بوده، یاد کرده است (۱۳۳۹، ص ۴۹). بنابراین بیکرد، بیکرز و بابای بیکرز همه یک روستا بوده است و گزارش‌های اداری بریتانیا در مورد این منطقه در سال‌های حکومت پهلوی اول، ۱۹۲۶-۱۹۴۱ که در بیش از ده مورد زیر عنوان بیکرز یاد شده‌اند^۸ به احتمال زیاد به دلیل شهری بوده که این اسم بین مردم منطقه داشته است و بنابراین کل منطقهٔ ماهور- میلاتی را زیر عنوان بیکرز یاد می‌کرده‌اند؛ اما این گزارش‌ها در سال‌هایی تحت عنوان میشان و قره‌گل^۹ نیز یاد شده است.^{۱۰} که میشان (در اصطلاح محلی میشون) از دهستان‌های ماهور- میلاتی بخش خشت بوده است و در سال ۱۳۳۰ با یک راه فرعی هشت کیلومتری به گچ‌ساران راه داشته است (فرهنگ جغرافیایی ایران ...، ۱۳۳۰، ج ۷، ص ۲۳۰).

1. Bikard

2. Bid karz

۳. به منطقه‌ای که پشته‌های بلند و دره‌های کوه سنگلاخی فراوان داشته باشد ماهور می‌گویند.

۴. لوریمر در مورد حدود حیات داود می‌نویسد: از سمت غرب به دریا محدود می‌شود... در جنوبی‌ترین نقطه که یک جریان موسوم به رود شور از تپه‌های موسوم به بیکرز و میشون یا تویسه جاری می‌شود حیات داود از شبانکاره جدا می‌شود (لوریمر، ۱۳۴۴، ص ۱۱۹).

۵. شبانکاره از جنوب به نواحی ساحلی دشتستان، انگالی و رود حله متصل است این ناحیه در منطقهٔ داخلی فارس است و به وسیلهٔ منطقهٔ ساحلی حیات داود از دریا جدا می‌شود (لوریمر، ۱۳۴۴، ص ۹۵).

۶. تویزه یا تویسه زنبیلی است که از حصیر درخت خرما بافته می‌شود و چون این منطقه به صورت تپه‌ها و دره‌های به هم پیوسته و درهم پیچیده است آن را ماهور یا تویسه (تویزه) می‌نامند (خیراندیش، عبدالرسول (مصاحبه)، ۱۳۹۵/۵/۱۰).

۷. توج که یکی از شهرهای بسیار قدیمی و مشهور فارس بوده نیز در همین ناحیه قرار داشته است (خیراندیش، عبدالرسول (مصاحبه)، ۱۳۹۵/۵/۱۰).

8. Note on events in the Bikarz Area during...

9. Note on events in Mishan and Gach Qaraguli area during...

۱۰. در بین مردم منطقه به دلیل کوه‌های گچی که وجود دارد (گچ) به عنوان پسوند پیشوند برای اسامی جغرافیایی استفاده می‌شود. (قره‌گل) در گوش محلی به کار می‌رود اما در اسناد حرف (ژ) به آخر لغت اضافه شده است.



قابل ذکر است که گزارش‌ها در دو مورد زیر عنوان گزارش از منطقه A.P.O.C¹ و همچنین A.I.O.C² آمده است که منظور همان شرکت نفت ایران و انگلیس³ است (نائبیان، ۱۳۷۸، ص ۷۹). منتها به کار بردن حرف (I) به جای (P) یعنی ایران به جای پرشین بعد از دستور رضاشاه برای به کار بردن نام ایران برای کشور بوده است. توجه به روند جغرافیایی گزارش‌ها در طی سال‌های مختلف نشان می‌دهد سیری از سمت جنوب بیکرز که بیشتر قشلاق طایفه کشکولی فارس بوده است به سمت شهرهای شمالی منطقه دیده می‌شود؛ زیرا در سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱- که سال‌های آخر دوره مورد بررسی این تحقیق است- عنوان گزارش‌ها در مورد بیکرز است؛ اما از نظر جغرافیایی گزارش‌ها بیشتر به سمت شمال منطقه یعنی گچساران و در نهایت بهبهان است و دیگر در مورد مناطق جنوبی گزارش داده نمی‌شود.

در نقشه کنونی ایران، مناطقی که میانه کازرون در جنوب، نورآباد و باشت در شرق، بهبهان در شمال و بی‌بی حکیمه و گناوه در مغرب هستند در حقیقت مناطقی است که تحت عنوان بیکرز، میشان و قره گل در مورد آن‌ها گزارش‌هایی وجود دارد. در تمام این گزارش‌ها گناوه بسیار مهم بوده است. گناوه از شمال غرب به بندر بوشهر و فاصله آن در سال‌های دهه ۱۳۳۰ هجری شمسی تا بوشهر ۱۵۶ کیلومتر از راه برازجان بوده است (فرهنگ جغرافیایی ایران ...، ۱۳۳۰، ج ۷، ص ۲۰۴). در حقیقت گناوه ناحیه ساحلی منطقه حیات داود بوده است و از سه روستا (شمالی، میانی و قوسی) تشکیل شده بود (Adamec, 1989, Vol 3, p 264). در آن سال‌ها گناوه به دلیل حضور پررنگ انگلیسی‌ها در آن، شهری آباد بوده است. هرمان نوردن سیاحتگری که در آن سال‌ها از گناوه به بیکرز سفر کرده، نوشته است که: «یک کاروان حمل‌کننده ابزار و لوازم از گناوه در خلیج فارس او را به منطقه می‌شون... که در روی آخرین نقشه جهانی به چاپ رسیده، هنوز به لحاظ نفتی، کشف نشده اعلام شده بود.» رسانده است (نوردون، ۲۵۳۶، ص ۴۱).

گچساران که یکی از بخش‌های شهرستان بهبهان است (فرهنگ جغرافیایی ایران ...، ۱۳۲۸، ج ۶، ص ۳۱۱) از دیگر شهرهایی است که در مورد آن گزارش‌های متعددی ارائه می‌دهند. گچساران از نظر جغرافیایی قصبه بخش گچساران بوده که در جنوب شرقی بهبهان واقع شده است. از دوره مورد بررسی به بعد کارگر شرکت نفت بودن یکی از مشاغل اصلی مردان گچسارانی بوده است. شاپور جاویدی، محقق در تاریخ طایفه کشکولی، می‌نویسد که: «بعد از انتقال شرکت نفت به گچساران بسیاری از کشکولی‌ها به استخدام رسمی شرکت نفت درآمدند و کم‌کم زندگی کوچ‌نشینی و یا روستانشینی خود را رها کرده و شهرنشینی شدند» (۱۳۹۱، ص ۱۱۶). به یک معنا با انتقال تأسیسات نفتی از جنوب بیکرز به سمت

1. Report on A.P.O.C.

Southern area

2. Report on A.I.O.C.

Southern area

3. Anglo Iran Oil Company or

Anglo Persian Oil Company



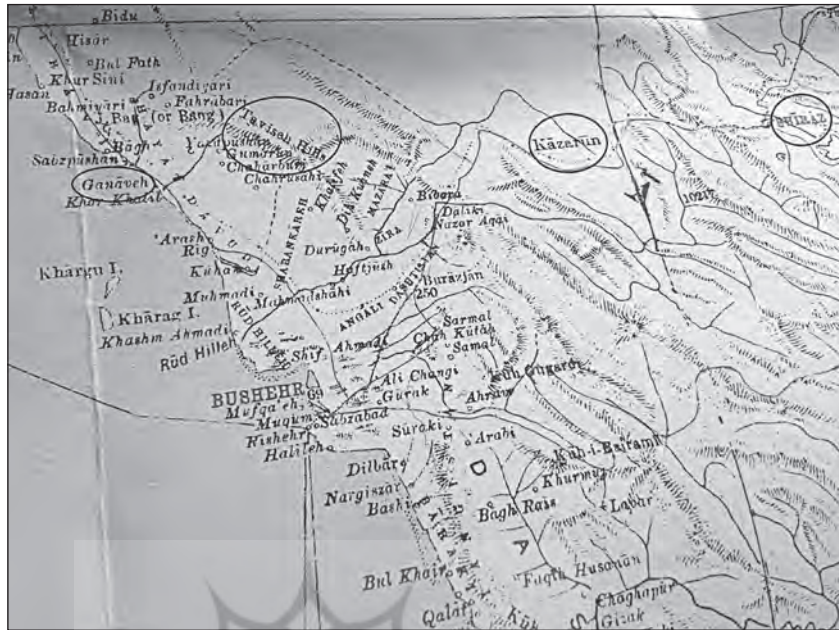
شهرهای شمالی بسیاری از ایلیاتی‌هایی که در منطقه بیکرز قشلاق داشته‌اند به همراه شرکت نفت به آن شهر کوچ کرده‌اند؛ بنابراین شرکت نفت به نوعی در یکجانشینی تأثیر داشته است. آخرین شهری که این اسناد در مورد آن گزارش داده‌اند بهبهان است. شهرستان بهبهان از شمال به رود کارون از غرب به شهرستان اهواز و از جنوب به خلیج فارس و شرق به شیراز محدود است. گچساران و آجاجری از بخش‌های مهم آن بوده‌اند. مناطق نفت‌خیزی که توجه کاشفان نفت را به خود جلب کرده بودند (فرهنگ جغرافیایی ایران ...، ۱۳۲۸، ج ۶، ص ۶۲). بهبهان در سال ۱۹۱۴م/۱۲۹۲ش ۳۹۸۴۷ نفر جمعیت داشت (Adamec, 1989, Vol 3, P127) لودویگ آدامک در مورد فاصله شیراز تا بهبهان می‌نویسد «بین بهبهان و شیراز در فاصله بیش از ۶۰ مایل جالب‌ترین روستاها وجود دارند که پوشیده از چوب و سبزه هستند و این مناطق به دلیل وجود کوه‌های منطقه، غیرقابل دسترسی هستند و مردمانی از قبایل باستانی در آنها زندگی می‌کنند» (Adamec, 1989, Vol 3, P 242). بی‌تردید بخشی از این منطقه‌ای که آدامک توصیف می‌کند بیکرز و میشان است.

منطقه ماهور-میلاتی که بسیار زیبا و پر نعمت است محل کوچ زمستانی (قشلاق) طایفه کشکولی^۱ در ایام کوچ‌نشینی این طایفه بوده است. هرمان نوردن که کتاب خاطراتش در مورد ایران در سال ۱۹۲۸ در لندن چاپ شده است درباره جذابیت و زیبایی منطقه نوشته است: «وقتی من چمنزار وسیعی را از فاصله دور و در سرایشی ده دیدم که شتران و گاوها در آنها مشغول چرا بودند با خودم گفتم که اینجا سرزمین موعود است...» نوردن، ۲۵۳۶، ص ۱۴۳.

قابل ذکر است نقشه مذکور بخشی از نقشه‌ای است که لوریمر در سال‌های اول قرن بیستم از منطقه خلیج فارس ترسیم کرده است و در آن منطقه بیکرز را زیر عنوان «تپه‌های توایسه» (Taviseh Hills) آورده است (Lorimer, 1986, V 6, map). در بخش بررسی جغرافیایی منطقه ذکر شد که لوریمر حد فاصله بین حیات داود و شبانکاره را در سمت جنوب، منطقه بیکرز و میشون یا توایسه نامیده است. موقعیت کنونی روستای بیکرز در نقشه جهانی Google Map در بخش پایانی مقاله آورده شده است.

۱. کشکولی‌ها، طایفه‌ای از ایل قشقایی هستند که به دو شاخه اصلی کشکولی بزرگ و کوچک تقسیم می‌شوند. ایلات این منطقه در دوره رضاشاه تضعیف قدرت سیاسی شده بودند و این تضعیف از یک سو موجب تحولات سیاسی من جمله اوج‌گیری قدرت دولت مرکزی در منطقه و از سوی دیگر موجب تحولات اجتماعی مانند یکجانشینی شدن و شهرنشینی شدن ایلاتی‌ها گردید که نمونه آن را می‌توان در پیوست به شرکت نفت دانست برای شناخت بهتر وضعیت ایلات این منطقه نگاه کنید به: (Adamec, 1989, Vol) (3, P 241)





تصویر ۱

موقعیت جغرافیایی بیکرز (Lorimer)
1986, Map of Persian Gulf, Oman
(and Central Arabia)

توضیحی در مورد اسناد Administration Report درباره منطقه بیکرز

گزارش‌های اداری انگلیسی‌ها در ایران یکی از مهم‌ترین اسناد اقتصادی - سیاسی تاریخ معاصر ایران است این اسناد یک مجموعه یازده جلدی است و سال‌های ۱۸۷۳م تا ۱۲۸۶ق تا ۱۹۵۷م تا ۱۳۳۶ق را در برمی‌گیرد. این مجموعه توسط «انتشارات آرشیو ملی انگلستان» منتشر شده است. همه گزارش‌ها در دوره مورد نظر از پایگاه بوشهر برای انگلستان و هند ارسال شده است و همه تحولات سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک منطقه را بیان می‌کرده‌اند. در هر سال این اسناد به بخش‌های مجزایی تقسیم می‌شده‌اند که بر اساس اهمیت منطقه برای دولت انگلستان عنوان گزارش‌ها تغییر می‌کرده‌اند. اولین گزارش‌ها به‌طور مشترک توسط رزیدنت بوشهر و نماینده انگلستان در مسقط نوشته می‌شد که مهم‌ترین بخش آن آمار دقیق تجارت بود؛ اما از سال ۱۹۰۵م/۱۲۸۵ش با توجه به تغییر ماهیت حضور انگلستان در منطقه گزارش‌ها نیز تغییر یافته و بنابراین جداول تجاری حذف شده‌اند؛ هرچند روند اقتصادی به‌طور کلی ذکر می‌شده است. در سال‌های بعد، از نمایندگان ساکن در بحرین و کویت خواسته می‌شد که گزارش‌های مجزایی برای این مجموعه داشته باشند. این گزارش‌ها که سازمان منتشرکننده، آن را معدنی از اطلاعات درباره خلیج فارس می‌داند در طول دو جنگ جهانی نیز منتشر می‌شده‌اند. باید در نظر داشت که گزارش‌ها تنها، بیان‌کننده وضعیت حضور انگلستان در منطقه خلیج فارس نبوده است بلکه به‌نوعی جغرافیا و تاریخ این منطقه را به‌طور



مستمر برای حدود هفتادسال بررسی می‌کنند (Cambridge Archive Edition. 1, 8, 2016). به‌عنوان مثال شهری میانی مانند کرمان بر اساس موقعیت سیاسی و اقتصادی که در هر سال داشته است گاهی زیر مجموعه بندرعباس، گاهی مستقل و در مواردی با شرق کشور بررسی می‌شده است. هرچند تمرکز اسناد بر بندرها و مناطق مختلف جنوبی ایران یا در دوره‌هایی کل منطقه خلیج فارس بوده است.

Administration Report of the Persian Gulf for the year 1939.	
CONTENTS.	
	PAGES.
Review by the Honourable the Political Resident in the Persian Gulf	i—iii
CHAPTER I.—Administration Report for Bushire and Hinterland	1—14
CHAPTER II.—Notes on events in the Bikarz Area	15
CHAPTER III.—Summary of events and conditions in Fars	16—17
CHAPTER IV.—Administration Report of the Kerman and Bandar Abbas Consulates	18—24
CHAPTER V.—Administration Report of the Kuwait Political Agency	25—28
CHAPTER VI.—Administration Report of the Bahrain Agency and the Trucial Coast	29—37
CHAPTER VII.—Administration Report of the Political Agency, Muscat	38—48
CHAPTER VIII.—Notes on the working of Quarantine on the Arab Coast of the Persian Gulf	59

تصویر ۲

فهرست گزارش
Administration Report ...
در سال ۱۹۳۹ است

چنان‌که در تصویر (۲) ملاحظه شد گزارش مربوط به سال ۱۹۳۹م/۱۳۱۷ش از مناطق مختلف خلیج فارس است؛ که از مناطق داخلی ایران مانند کرمان، فارس، بندرعباس تا بحرین، مسقط، کویت و... را مورد نظر قرار داده‌اند. ردیف شماره دو این فهرست چنان‌که قابل ملاحظه است در مورد منطقه بیکرز است.

گزارش‌های اداری بریتانیا در مورد این منطقه در سال‌های حکومت پهلوی اول (۱۹۲۶-۱۹۴۱) چنان‌که در تصویر (۲) قابل ملاحظه است در بیش از ده مورد دیگر نیز زیر عنوان بیکرز یاد شده‌اند^۱ و این به احتمال زیاد به دلیل شهرتی بوده که این اسم بین مردم منطقه داشته است.

تصویر شماره سه سندی از منطقه بیکرز در سال ۱۹۳۹م/۱۳۱۷ش است که مربوط به مسائلی مانند وضعیت چاه‌های نفت گچساران، مسائل کارگران انگلیسی و هندی-انگلیسی، به‌ویژه آب شرب آن‌هاست. در ادامه، گزارش به موضوع جاده‌ها و وضعیت ترانزیت در منطقه می‌پردازد. چنان‌که گفته شد این گزارش‌ها در سال‌هایی تحت عنوان

1. Note on events in the Bikarz Area during ...



میشان (Mishun) و قره گل (gach Qarguli)^۱ نیز یاد شده است.

15
CHAPTER II.
NOTE ON EVENTS IN THE BIKARZ AREA DURING 1939.

Exploratory drilling was continued at Gach Saran on seven sites and two oil wells were completed. Exploratory drilling was also continued at Agha Jari.

The following British and British Indian staff were employed in the Southern Area at 31st December 1939 :-

	Staff.	Wives and Children.
<i>Gach Saran.</i>		
British	35	11
British Indian	34	4
<i>Agha Jari and Puzann.</i>		
British	26	7
British Indian	14	4
<i>Pipe Line Construction.</i>		
British	24	1
British Indian	9	..
Totals	142	27

A 250,000-gallon water tank and boosting pumps were installed at Ba Mohammad and a second 2,000,000-gallon water tank was erected on Seh Qulatan. Hand wells were dug near the springs at Du Gumbadan and proved a large supply of good water to be available.

Various new buildings such as stores, offices and quarters for staff and artizans were completed.

Apart from the construction of roads to well sites, repair work was carried out to the Kumbal—Ba Mohammad road, the Ganoweh road to Mile 22 and Ba Mohammad road to Turk Village. At the bridge over the Zurah four culverts were cut through approaches to clear flood water and the bridge between Zurah and Gach Saran was widened.

Ba Mohammad industrial area was fenced-in. The swimming bath was re-built and enlarged, tennis courts made at Dashit-i-Mirza and Ab-i-Shirin and a 5-ton ice plant installed in the Stores building.

During 1939 Ganoweh was completed as a transshipment area; the work involved included :-

- Jetty construction and piling.
- Internal railway.
- Butters stiff leg derrick on jetty.
- Filling and levelling transshipment area.
- Completion of water wells.
- Installation of tankage and pumping equipment.
- Installation of 2 30 K.W. Lighting Sets.
- Construction of transshipment buildings, casing racks, petrol store, dispensary and Artizan Quarters.
- Construction of the Gach-Saran-Abadan pipe line continued.

تصویر ۳

گزارش Administration Report
درباره منطقه بیکرز برای سال ۱۹۳۹ م

تصویر ۴

گزارش Administration Report از
منطقه میشان و قره گل
سال ۱۹۳۵ م است.

18
CHAPTER II.
NOTE ON EVENTS IN THE MISHUN AND GACH QARAGULI AREAS DURING 1935.

Throughout the year no further active development of this area has been carried out. The usual routine maintenance of wells, roads and buildings has been done, and all property has been kept in repair.

The Ganoweh wireless station has been fitted out with new apparatus and is now in regular operation with Gulf Shipping, acting as a radio beacon for direction finding purposes. He transmits his call signal on 705 metres for duration of five minutes commencing five minutes after every hour of daylight G. M. T.

During the year the decision was taken to re-open the area with the object of drilling further test wells at Gach Qaraguli and elsewhere. Road surveys have been carried out, and a geological party began work in the area in October with the object of locating test well sites. Drilling operations will be put in hand during 1936.

The guarding arrangements remain the same as reported for the year 1934, and no changes worthy of mention have been made.

1. Note on events in Mishun and
Gach Qaraguli area during ...



به نظر می‌رسد یکی از دلایل تغییر عنوان‌ها بر اساس اهمیت منطقه در اکتشافات نفتی بوده است؛ زیرا در سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ که سال‌های آخر دوره مورد بررسی این تحقیق است عنوان‌ها در مورد بیکرز است اما از نظر جغرافیایی بیشتر به سمت شمال منطقه یعنی گچ‌ساران و در نهایت بهبهان است و دیگر در مورد مناطق جنوبی گزارش داده نمی‌شود.

تحلیل گزارش‌های اداری انگلستان در مورد منطقه نفت خیز بیکرز

به دنبال کشف نفت در مسجد سلیمان در سال ۱۹۰۸ م/ ۱۲۸۷ ش عملیات گسترده‌ای برای اکتشاف نفت در نواحی غرب و جنوب غربی ایران آغاز شد و دامنه اکتشافات در سال ۱۹۲۱ م/ ۱۳۰۰ ش به منطقه بیکرز رسید (جاویدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰). پیش از این گفته شد که این منطقه جزو قشلاق طایفه کشکولی بود. شرکت نفت در غیاب دولت قدرتمند مرکزی از همان ابتدا سعی کرد که با عقد قرارداد با خوانین کشکولی و جلب موافقت، آن‌ها را با خود همراه و فعالیت‌های اکتشافی خود را نیز ایمن کند (جنگ جهانی در جنوب ایران ...، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶)؛ بنابراین سر آرنولد ویلسون به نمایندگی از طرف شرکت در سال ۱۹۲۶ م/ ۱۳۰۵ ش با حیدرخان حیات داوودی و خوانین کشکولی مذاکره و قراردادهایی را با آن‌ها منعقد کرد (جاویدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). در اسناد انگلستان مکرراً از حیدرخان که امنیت گناوه تا بیکرز را تأمین می‌کرده، یاد شده است (Administration report... , 1989, v: IX, 1932, P 15 and 1926, P 27).

در آن سال‌ها روابط خوانین کشکولی با صولت‌الدوله، ایلخان قشقای‌ها، چندان مناسب نبود؛ از این رو خوانین کشکولی می‌خواستند که شرکت نفت با صولت‌الدوله نیز مصالحه داشته باشد، زیرا آن‌ها نمی‌توانستند در مقابل اقدامات او از منافع شرکت نفت دفاع کنند (جنگ جهانی در جنوب ایران ...، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶). در نهایت این کشمکش‌ها موجب شد عده‌ای از عشایر حتی از میان کشکولی‌ها مکرراً به تأسیسات شرکت نفت حمله کنند (جاویدی، ۱۳۹۱، صص ۱۰۶-۱۰۸)؛ بنابراین شرکت و عمالش مجبور شدند که با صولت‌الدوله نیز ملاقات و پیام‌های دوستی رد و بدل کنند و قرارداد تازه‌ای نیز با او منعقد کنند؛ اما با قدرتمند شدن هر چه بیشتر دولت ایران در دوره رضاشاه شرایط تغییر کرد. دولت مرکزی به زودی اعلام کرد که با این قراردادها مخالف است و از آن‌ها حمایت نمی‌کند (جنگ جهانی در جنوب ایران ...، ۱۳۷۳، ص ۱۴۷). مسئله درگیری‌های منطقه‌ای و اعزام نیرو به مناطق آشوب‌زده را در روند مطالب گزارش‌ها نیز می‌توان دریافت. در سال‌های نخست عمده مطالب گزارش‌ها بر وضعیت ایلات و عشایر به‌ویژه موقعیت کشکولی‌ها و بویراحمدی‌ها و همچنین نحوه برخورد با آن‌ها و گزارش از حملات گاه‌وبیگاه آن‌ها به تأسیسات شرکت نفت در نواحی مختلف بیکرز متمرکز بوده است؛

۱. برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به (Oberling, 1960, PP 330-338)



اما در گذر زمان گزارش‌ها از ثبات سیاسی منطقه خبر می‌دهند. اسناد در دوره بعد از این ماجراها و بین سال‌های ۱۹۲۶م/۱۳۰۵ش تا ۱۹۴۱م/۱۳۲۰ش، که دوره حکومت پهلوی اول است، از آرامش در منطقه خبر می‌دهند.

رضاشاه حکومت خویش را در آشفته‌گی سال‌های پس از مشروطه آغاز کرد. در سال‌های اول حکومت، بیشترین عملکرد سیاسی دولت پهلوی در مورد تثبیت قدرت مرکزی در تهران و سرکوب گروه‌های مختلف از روشنفکران شهری گرفته یا عشایر مسلح گذشت. (آوری، ۱۳۸۸، صص ۲۲-۳۲) رضاشاه شیوه و منش زندگی عشایری را قبول نداشت و نسبت به رهبران آن‌ها بدبین بود؛ بنابراین هر چه او بیشتر قدرت می‌گرفت سران عشایر ضعیف‌تر می‌شدند؛ چنان‌که بنابه روایاتی صولت‌الدوله را نیز که روزی از دوستان خود او بود در زندان قصر کشت (Oberling, 1960, P 355). بررسی آماری از سال‌هایی که غارت و حمله عشایر به تأسیسات اکتشافی منطقه انجام شده تا سال‌هایی که آرامش برقرار شده است نیز این موضوع را به وضوح نشان می‌دهد.

شورش عشایر منطقه	۱۹۲۸
غارت اموال کمپانی	۱۹۲۹
غارت اموال کمپانی	۱۹۳۰
-----	۱۹۳۱
شورش عشایر بدون آسیب	۱۹۳۲
-----	۱۹۳۳
-----	۱۹۳۴
-----	۱۹۳۵
-----	۱۹۳۶
-----	۱۹۳۷
-----	۱۹۳۸
-----	۱۹۳۹
-----	۱۹۴۰

جدول ۱

گزارش ناآرامی‌های منطقه

چنان‌که جدول (۱) نشان می‌دهد آخرین باری که از خشونت در منطقه یاد شده است مربوط به سال ۱۹۳۲م/۱۳۱۰ش است که ۳۰۰ تن‌نگدار بویراحمدی به منطقه حمله می‌کنند (Administration report, 1989, v IX, 1935, P 15). البته گزارش‌ها در سال‌های آخر خبر از کاهش شدید افراد خارجی در منطقه می‌دهند که مربوط به مسئله جنگ جهانی دوم و خروج نیروهای انگلیسی از منطقه است.



بررسی‌ها نشان می‌دهد که آرام‌ترین شهر برای حضور دائمی نماینده کمپانی در منطقه، شهر گناوه بود. نماینده کمپانی ساکن در گناوه هفته‌ای دو بار به مناطق مختلف بیکرز می‌رفت و از فعالیت‌ها و کارهای مربوط به چاه‌های نفت بازدید می‌کرد؛ بنابراین ایستگاه تلگراف گناوه در سال ۱۹۳۵ تأسیس شد، ایستگاهی که با انگلیسی‌های مستقر در سایر نقاط خلیج فارس در ارتباط بود. (Administration report, 1989, v: IX, 1935, P 18). همچنین جاده‌ای که گناوه را به بهبهان متصل می‌کرد در سال ۱۹۳۶ تکمیل شد. این جاده به جاده اصلی که دولت مرکزی تأسیس کرده بود و بهبهان را به اهواز و مسجد سلیمان وصل می‌کرد، متصل شد (Administration report, 1989, v: IX, 1936, P 15)؛ بنابراین در سال ۱۳۳۰ فرهنگ جغرافیایی ایران ضمن گزارش از آباد بودن گناوه از وجود یک صد باب مغازه تجاری و همچنین ساختمان‌های شرکت نفت خبر می‌دهد که خود نشان از پروتق بودن بازار گناوه بوده است (۱۳۳۰، ج ۷، ص ۲۰۴).

شهر دیگری که در سال‌های آخر گزارش‌ها چنان‌که پیش‌ازاین نیز گفته شد دارای اهمیت بیشتری از گناوه می‌شود، گچساران بود. گچساران در این دوره به دلیل کشف نفت و ایجاد تأسیسات نفتی در آنجا آن‌چنان دارای اهمیت می‌شود که کارگر شرکت نفت بودن به یکی از اصلی‌ترین شغل مردان آنجا تبدیل می‌شود. در سال ۱۹۳۶ گزارش‌ها حاکی از وجود ۶۸۴ کارگر بومی دون‌پایه و ۷۴۸ کارگر مقاطعه‌کار در گچساران است (Administration report, 1989, v IX, 1936, p 15). با دقت در آمار آن زمان با افزایش جمعیتی از اروپائیان در این شهر روبرو هستیم. گزارش‌ها از تأسیس یک کارخانه یخ، کلاب تفریحی برای کارگران و یک سینما در شهر خبر می‌دهند (Administration report, 1989, v IX, 1938, p 15).

درباره تعداد اروپاییانی که در گچساران و گناوه حضور داشتند نیز بین سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۴۰ گزارش‌هایی ارائه شده است (Administration report, 1989, 1936, v IX, P15; 1937, P15; 1938, P15; 1939, P15).

کارمندان	۱۹۳۱	۱۹۳۶	۱۹۳۷	۱۹۳۸	۱۹۳۹	۱۹۴۰	۱۹۴۱
انگلیسی	۹	۲۸	۳۵	۴۹	۳۵	۹	۶
انگلیسی هندی	-----	-----	۱۵	۳۴	۳۴	۴	۴

جدول ۲

تعداد کارمندان انگلیسی و انگلیسی - هندی در گچساران و گناوه

چنان‌که ملاحظه می‌شود در سال ۱۹۳۱ نیز گزارشی از حضور ۹ اروپایی در منطقه شده است. همچنین در سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۱ و آغاز جنگ دوم جهانی آن‌ها نیروهای خود را از منطقه خارج کرده‌اند. همچنین در مورد تعداد افراد خانواده انگلیسی‌ها و



انگلیسی - هندی‌ها نیز گزارش‌های منظمی ارائه می‌شده است جدول (۳).

جدول ۳

گزارش از افراد خانواده انگلیسی و
انگلیسی - هندی در گچ‌ساران و گناوه

سال	۱۹۳۷	۱۹۳۸	۱۹۳۹	۱۹۴۰	۱۹۴۱	زنان و بچه‌ها
انگلیسی	۴۷	۱۵	۱۱	۲	۱	
انگلیسی-هندی	۱۷	۴	۴	۲	-----	

گزارش‌ها در دو سال آخر از تعداد کارمندان اروپایی در آغاجری و پازنان نیز آمارهایی ارائه می‌دهند. گزارش‌ها عموماً به ترتیب گزارش‌های زمین شناسی^۱، جاده‌ها^۲، ساختمان‌ها^۳، تأمین آب^۴، ارتباطات بی‌سیم^۵، ذخایر نفتی^۶ و حفاری، کارکنان^۷ و وضعیت رفاهی^۸ تنظیم شده‌اند.

گزارش‌ها دربارهٔ اکتشافات نفتی عمدتاً بر دو موضوع تأکید دارند. نخست پیدا کردن مکان‌های جدید که احتمال وجود چاه نفت در آن‌ها است و سپس گزارش از حفاری و کندن چاه‌های نفت، عمق چاه‌ها و میزان فشاری که از گاز و نفت در آن‌ها وجود دارد. برای این کار ابتدا گزارش‌هایی از جانب گروه‌های جغرافیایی ارائه می‌شده و سپس عملیات حفاری انجام می‌گرفته است. برای نمونه، این اسناد گزارش‌های پی‌درپی از دو عملیات جغرافیایی و حفاری در مورد منطقه قره‌گل و کوه‌مند ارائه کرده‌اند (Administration Report, 1989, v IX, 1932, P 15 and 1933, P 15). همچنین گزارش‌ها دربارهٔ نحوه انتقال نفت منطقه به پالایشگاه آبادان از طریق لوله‌کشی و احداث جاده‌های مناسب خبر می‌دهند. (این جاده امروزه بین مردم منطقه به جاده شرکتی بین آبادان - گچ‌ساران مشهور است.) نوردون دربارهٔ فعالیت‌های گسترده انگلیسی‌ها در منطقه نوشته است: «اینجا اردوگاه نسبتاً بزرگی شامل گاراژها، انبار نگه‌داری و تعمیر ماشین‌آلات مربوطه به ساختمان‌های اداری و دفتری دارد... گویی ذره‌ای از انگلستان است که با سیم‌خاردار از دنیای ایرانی و ایران مجزا شده است» (نوردون، ۲۵۳۶، ص ۱۴۳).

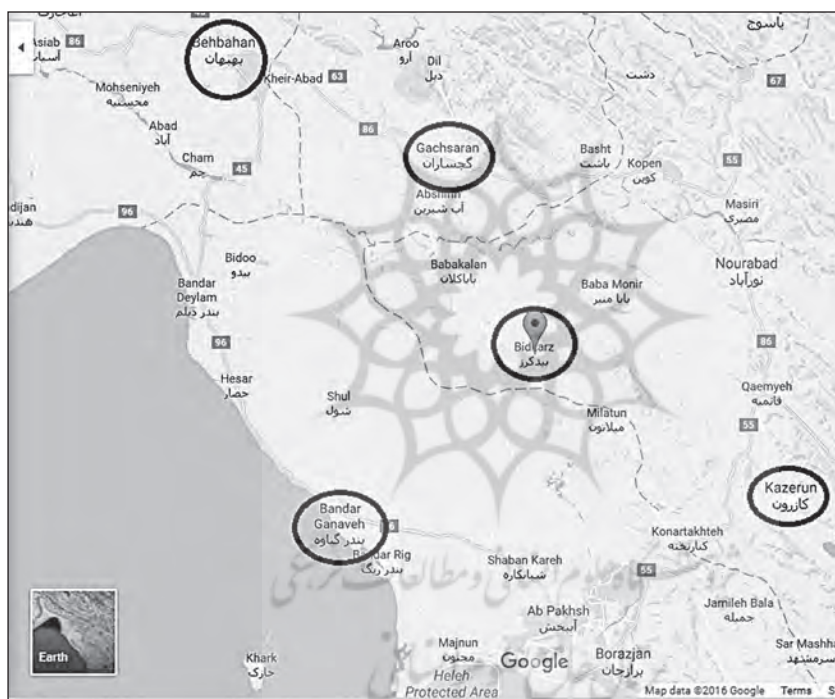
نتیجه

بیکرز، نام دهی در منطقه ماهور و میلانی است که در دورهٔ رضاشاه انگلیسی‌ها بر منطقه وسیعی بین کازرون در جنوب تا بهبهان در شمال آن و باشت در شرق آن تا بی‌بی حکیمه در غرب آن اطلاق می‌شده است. این منطقه هم از لحاظ ذخایر نفتی و هم از لحاظ ذخایر آبی به دلیل وجود دو رود زهره و خیرآباد منطقه مناسبی برای اسکان کارگران، اکتشاف و حفاری چاه‌های نفت بوده است. تحلیل محتوای این گزارش‌ها عمدتاً نشان می‌دهد که با گذر زمان، قدرت دولت مرکزی در منطقه بیشتر شده و نقش ایلات و عشایر به‌ویژه

1. Geological
2. Roads
3. Buildings
4. Water supply
5. Wireless communications
6. Oil reserves
7. staff
8. welfare



روش استفاده از عشاير برای حفظ مراکز عملیاتی کم‌رنگ شده است. از سوی دیگر گزارش‌ها نشان می‌دهد که نیروهای انگلیسی مستقر در منطقه برای رفاه خود و همچنین جلب توجه مردم بومی به همکاری با شرکت نفت انگلیس و ایران، امکانات رفاهی مانند سینما و کارخانه یخ‌سازی ایجاد می‌کرده‌اند. روند مطالب، بر افزایش تعداد اروپاییان و همچنین به‌کارگیری افراد محلی بیشتری در شرکت نفت ایران و انگلیس تا پیش از شروع جنگ دوم جهانی تأکید دارند؛ همچنین نشان می‌دهد که میزان علاقه شرکت نفت ایران و انگلیس بر اساس وجود چاه‌های نفت منطقه از سمت جنوب به شمال آن بوده است. چراکه در سال‌های پایانی، گزارش‌ها عمدتاً بر روی شهرهایی مثل بهبهان و آغاچری است که انتهای منطقه بیکرز بوده است.



تصویر ۵

موقعیت کنونی «بیکرز» در Google Map

منبع

کتاب فارسی

آوری، پیترا؛ همبلی، گاوین؛ ملویل، چارلز. (۱۳۸۸). *تاریخ ایران (از مجموعه تاریخ کمبریج) از رضا شاه تا انقلاب اسلامی*. (دفتر دوم از جلد هفتم). (چاپ دوم). (مرتضی ثاقب فر، مترجم). تهران: جامی.

جنگ جهانی در جنوب ایران، گزارش‌های سالانه سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر ۱۳۳۳-۱۳۳۹ ق. / ۱۹۱۴-



- ۱۹۲۱ م. (۱۳۷۳). (کاوه بیات، مترجم). بوشهر: کنگره هشتادمین سالگرد شهادت رئیس علی دلواری.
- فرهنگ جغرافیایی ایران، آبادی‌ها. (۱۳۳۰). (ج ۷). تهران: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- فرهنگ جغرافیایی ایران، آبادی‌ها. (۱۳۲۸). (ج ۶). تهران: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- فسایی، حسن بن حسن. (۱۳۶۷). *فارسانامه ناصری*. (ج ۲). (منصور رستگار فسایی، مصحح). تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- لوریمر، جان گوردون. (۱۳۹۴). *سواحل خلیج فارس (بوشهر، دشتستان، تنگستان، دشتی، لیراوی، حیات داود، رودحله، انگالی، شیبکوه...)*. (عبدالرسول خیراندیش، مترجم). تهران: آباد بوم.
- مفخم پایان، لطف‌الله. (۱۳۳۹). *فرهنگ آبادی‌های ایران، شامل نامها و موقعیت جغرافیای شهرها و دبه‌های کشور*. تهران: امیرکبیر.
- نائبیان، جلیل. (۱۳۷۸). *پژوهشی در مسائل سیاسی تاریخ نفت در ایران*. تهران: نارالله.
- نوردون، هرمان. (۲۵۳۶). *زیر آسمان ایران*. (سیمین فصیحی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وزارت کشور: اداره کل آمار و ثبت‌احوال کشور. (۱۳۲۳). *اسامی دهات کشور*. تهران: بی‌نا.

پایان‌نامه

- جاویدی، شاپور. (۱۳۹۱). «بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی طایفه کشکولی از ایل قشقایی از انقلاب مشروطیت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ. دانشگاه شیراز، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

مصاحبه

- خیراندیش، عبدالرسول. (۱۳۹۵/۵/۱۰). دانشگاه شیراز.

منابع اینترنتی

- “Cambridge Archive Edition”. (1, 8, 2016) from: <http://archiveeditions.co.uk/title-details.asp?tid=4>

منابع لاتین

- Adamec, Ludwig, w. (1989). *Historical Gazetteer of Iran: vol: ۳ (Abadan and southwestern Iran)*. Akademische Druck-u. verlagsanstalt Graz/Austria.
- Administration Report of the Persian Gulf*. (1989). vol: IX. Cambridge: Archive Editions.
- Lorimer, johan gordon. (1986). *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia*. vol: 6. Cambridge: Archive Editions.
- Oberling, Pierre. (1960). *The Turkic peoples of southern Iran*. Columbia University.